

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۱۶۵-۱۹۳ (مقاله پژوهشی)

سیر تحلیلی رفتار «صبر» به ترتیب نزول و کاربست‌های آن در تربیت اعتقادی

سیدمحمد رضا علاء‌الدین^۱، محمد رضا ستوده‌نیا^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۲۳)

چکیده

بررسی تحلیلی سوره‌های مکی به ترتیب نزول نشان می‌دهد که صبر از جمله رفتارهای مهم بنیادی قرآن است که ارتباط تنگاتنگی با حوزه تربیت اعتقادی دارد. بررسی هندسه شکل‌گیری این رفتار اعتقادی و سیر تطور صبر به ترتیب نزول و طرح اقتضائات خاصی که موجب نزول آیات صبر شده و اینکه در چه بازه زمانی استعمال شده و تا چه زمانی این معنا ادامه یافته است و تاثیرات این رفتار اعتقادی در پیشبرد تربیت اعتقادی و تثبیت آن به چه میزان بوده مسئله‌ای است که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. دست آورد این پژوهش ترسیم کاربست‌های رفتار صبر در شکل‌دهی، استمرار، پایداری و تثبیت تربیت اعتقادی به ترتیب نزول می‌باشد.

کلید واژه‌ها: آیات صبر، رفتار صبر، سوره‌های مکی، ترتیب نزول، تربیت اعتقادی

kosar1380@chmail.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان؛

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت(ع) دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول) و

m.sotudeh@ltr.ui.ac.ir

استاد راهنما؛

۱- بیان مساله

مساله این پژوهش سیر تحلیلی رفتار «صبر» به ترتیب نزول و کاربست‌های آن در تربیت اعتقادی می‌باشد. تاکنون کتب و مقالات فراوانی در رابطه با «صبر» به عنوان یک فضیلت اخلاقی به نگارش درآمده است ولی هیچ یک آن را به عنوان یک رفتار اعتقادی براساس شرایط نزول و مقارنه تنزیلی آیات در سیر نزول و کاربست‌های آن در تربیت اعتقادی مورد توجه قرار نداده‌اند. حال آنکه مطالعه آیات صبر به صورت تنزیلی می‌تواند نکات تازه‌ای را آشکار کند و مراحل نهادینه سازی این رفتار اعتقادی قرآن را مشخص نماید. شناخت مراحل تطور این گزاره‌ها و چگونگی عرضه آیات مربوطه در قالب تفسیر موضوعی برحسب سیر نزول قابل مطالعه و بررسی است. مطالعات تفسیری در خصوص راه حل مساله، مبین شکل‌گیری رفتار صبر در سیر نزول در دو حوزه فردسازی و جامعه‌سازی است. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت در ابتداء تبیین مؤلفه‌های مؤثر نگرشی در شکل‌گیری رفتار صبر در سیر نزول شامل «ایمان به توحید در ربوبیت، خالقیت، حاکمیت، رزاقیت و عبودیت، رشد علم و آگاهی و درک عمیق و بصیرت‌مندانه به اعتقادات دینی می‌باشد. همچنین شکل‌گیری صبر در حوزه رفتار علاوه بر نگرش توحیدی نیازمند تحقق و تحصیل زمینه‌های مناسب می‌باشد این زمینه‌ها در حوزه فردی شامل «اخلاص در عمل و تحصیل اراده قوی و استوار و باور به برتری بر و نیکی بر بدی، مطالعه سرگذشت صابران و الگوگیری از اُسوه‌های صبر و عبرت‌آموزی از عواقب ناخوشایند بی‌صبری» می‌باشد و در حوزه اجتماعی تحقق پدیدارهای رفتاری همچون «بدی را با خوبی جواب دادن، انفاق و رسیدگی به محرومین، اقامه شهادت و گواهی به حق، مداومت و محافظت بر اقامه نماز با حفظ حدود و آداب، امانت‌داری و حفظ امانات و پاکدامنی، وفای به عهد و تعهد» موجبات شکل‌گیری و استمرار و رشد و تعالی صبر در مومن را رقم می‌زنند. نتیجه این پژوهش ترسیم سیر تطور معنایی صبر و روش قرآن در

طرح این رفتار قرآنی و کاربست‌های متعدد صبر و میزان سیر معنادار فراوانی آیات صبر در طول سال‌های مختلف نزول برای خروج از انفعال و بحران و فعال‌سازی ایمان مؤمنان برای حضور در عرصه‌های جدید می‌باشد محدوده بررسی‌های پژوهش، سور مکی به ترتیب نزول می‌باشد.

۱-۱. اهمیت تحقیق

به نظر می‌رسد بررسی تحلیلی رفتار «صبر» در روش تفسیر تنزیلی - موضوعی منجر به یافته‌های جدیدی در فهم این رفتار می‌شود با استفاد از این روش از یک سو لحظه به لحظه سیره نبوی (ص) در ابلاغ رفتار اعتقادی صبر با هدف ایجاد تغییر و تحول اعتقادی یا رشد و پیشرفت ایمانی رصد می‌شود و مراحل به هم پیوسته و زنجیروار نزول را به شکلی روشن و دقیق به گونه‌ای که خواننده، در فضای نزول قرآن و شرائط و مناسبات و غایات آن قرار می‌گیرد و حکمت نزول تدریجی و مدل نهادینه شدن مفهوم صبر نمایان می‌شود و از سویی دیگر کیفیت شکل‌گیری و تحقق صبر و شناخت کار بست‌های آن و مراحل نهادینه شدن آن در تربیت اعتقادی ترسیم می‌گردد. وجه نوآوری پژوهش حاضر این است که رفتار اعتقادی «صبر» را با رویکرد به تربیت اعتقادی در حوزه‌های نگرشی و رفتاری (فردی و اجتماعی) براساس تفسیر موضوعی - تنزیلی تبیین کرده است.

۲- مفاهیم کلیدی تحقیق

در این بخش به دو مفهوم «صبر» و «ترتیب نزول» پرداخته می‌شود.

۱-۲. مفهوم شناسی صبر

«صبر» از واژگان اصیل عربی است و واژه شناسان آن را با تعابیر گوناگونی تبیین و تشریح کرده‌اند. بسیاری از لغت شناسان صبر را به معنای حبس می‌دانند. (جوهری،

۷۰۶/۲؛ طریحی، ۳۵۸/۳؛ حسینی زبیدی، ۷۰/۷؛ فیومی، ۳۳۱/۲) به عنوان نمونه طریحی می‌نویسد: «الْصَّبْرُ وَ هُوَ حَبْسُ النَّفْسِ عَنِ إِظْهَارِ الْجَزَعِ» (طریحی، ۳۵۸/۳) صبر خویشتن‌داری است، بر آنچه خوشایند نیست. ابن منظور می‌گوید: «الْصَّبْرُ الْحَبْسُ» (ابن منظور، ۴۲۰/۴) صبر به معنای خویشتن‌داری است. در کتاب قاموس الفقهی کلمات ثبات، حبس و منع به عنوان معانی صبر ذکر شده است (سعدی، ۱۳۶). فیض کاشانی، صبر را لفظ عامی می‌داند که هویتش برحسب اختلاف مواضع تغییر می‌کند. به گونه‌ای که اگر منوط به ضبط نفس و خویشتن‌داری در کارهای دشوار یا پیش آمدهای ناخوشایند باشد، «صبر» خوانده می‌شود و ضد آن جزع و بی‌تابی است. اگر در معرکه جنگ مورد نظر باشد «شجاعت» نامیده می‌شود که ضد آن جبن است. به این واژه هنگام فروخوردن خشم «حلم» گفته می‌شود که نقطه مقابل آن «غضب» است. در تحمل مصایب و بلاها «سعه صدر» و تاب تحمّل نامیده می‌شود، که برخلاف «ضجرت» یا تنگ دلی و به ستوه آمدن و ملول شدن است. اگر صبر در مخفی کردن امری و نگفتن سخنی باشد، «کتمان» و ضد آن «اذاعه» یا فاش کردن خبری است. اما خویشتن‌داری در برابر زوائد زندگی و تجملات، «زهد» و بی‌رغبتی به زرق و برق دنیا است، که ضدش «حرص» و افزون طلبی است. (فیض کاشانی، ۱۳۸-۱۳۹) فیض کاشانی در تعریف صبر گفته است «صبر یعنی پای فشردن بر دشواری در مسیر حق». (همو، ۵۵) خواجه نصیرالدین طوسی صبر را اینگونه تعریف کرده است «الْصَّبْرُ حَبْسُ النَّفْسِ عَنِ الْجَزَعِ عِنْدَ الْمَكْرُوهِ وَ هُوَ يَمْنَعُ الْبَاطِنَ عَنِ الْإِضْطِرَابِ وَ اللَّسَانَ عَنِ الشُّكَايَةِ وَ الْأَعْضَاءَ عَنِ الْحَرَكَاتِ غَيْرِ الْمُعْتَادَةِ» (طوسی، ۸۵) صبر حفظ نفس است، از بی‌تابی کردن در مواجهه با امور ناخوشایند و صبر درون را از اضطراب و زبان را از شکایت و اعضاء را از حرکات غیرعادی باز می‌دارد. زحیلی در تفسیر المنیر می‌نویسد: «حَبْسُ النَّفْسِ عَلَى مَا تَكْرَهُ» (زحیلی، ۱۵۴/۱۳) صبر، حبس و نگهداری نفس بر آن چیزی است که آدمی از آن اکراه دارد. مهدی نراقی در تعریف صبر گفته است «الْصَّبْرُ ثَبَاتُ النَّفْسِ وَ عَدَمُ إِضْطِرَابِهَا فِي الشَّدَائِدِ وَ الْمَصَائِبِ بِأَنْ تَقَاوَمَ مَعَهَا بِحَيْثُ لَا تُخْرِجُهَا عَنْ سِعَةِ الصَّدْرِ وَ

مَا كَانَتْ عَلَيْهِ قَبْلَ ذَلِكَ مِنَ السُّرُورِ وَالْأَطْمَإِنَّةِ» (نراقی، ۲۸۰/۳) صبر، پایداری نفس و عدم ناراحتی در سختی‌ها و مصیبت‌ها می‌باشد و صبور با مقاومت در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها نه تنها سعه صدر خود را از دست نمی‌دهد بلکه به شادمانی و آرامش خواهد رسید.

۲-۲. واژه‌های همنشین، مترادف و متضاد صبر

واژه‌های مترادف صبر هم‌چون شرح صدر، حلم، حوصله و استقامت و بردباری می‌باشند. این واژگان هم ردیف هرچند دارای معنای نزدیک به هم و مترادفی هستند؛ ولی از نظر ماهیت تفاوت‌های ظریفی دارند بطور نمونه «شرح صدر» که عام‌ترین مفهوم واژگان مترادف صبر است، به حالتی گفته می‌شود که روح به هم بسته انسان باز شده و خداوند نور خود را در قلب انسان می‌ریزد. (مطهری، ۲۱۱/۱۳) مضمون آیات «الْمَنْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (الانشراح، ۱)، «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (العصر، ۳) «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه، ۲۰) ناظر به این حالت است. در قرآن «ضیق صدر» به عنوان نقطه مقابل صبر ذکر شده است «وَأَصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ» (النحل، ۱۲۷) حلم نیز از واژگان مترادف با صبر و شکیبایی است و وجود آیات و روایات فراوان در باب حلم جایگاه والای آن را در اخلاق و عرفان اسلامی روشن می‌سازد. حلم در صفت کظم غیظ خود را متجلی می‌کند. به تعبیر دقیق، عبارت بهترین حلم فروربردن خشم است، ناظر به این گفتار می‌باشد مفهوم متضاد صبر، جزع می‌باشد «الصَّبْرُ وَ ضِدُّهُ الْجَزَعُ» (سید رضی، ۱۲۷۳/۲۶)، در قرآن آمده است «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد، ۲۲) علامه طباطبایی معتقد است علت اینکه (صبر) در آیه به طور مطلق آمده این است که «اشخاص موردنظر آیه همه اقسام صبر را دارند. یعنی هم صبر در هنگام برخورد به مصیبت و هم صبر بر اطاعت حق و هم صبر در برابر معصیت را» و مزیت صبر آنها این است که «تنها به منظور رضای پروردگارشان صبر می‌کنند. و اگر خداوند آنها را مدح کرده به خاطر

صبری است که برای خداوند کرده‌اند» لذا صبری از نظر قرآن ممدوح است که به خاطر خدا باشد، نه به خاطر جلوگیری از عجز و یا عجب به نفس و یا تعریف و تمجید این و آن و یا غیر آن و مقصود از «وَجْهٍ رَبِّهِمْ» جهت الهی عمل، یا فکر و یا نیت است. جهت الهی عمل و یا فکر آن، صفت و صورتی است که عمل نزد خدا دارد و آن عبارت است از اجر و مزدی که نزد خداوند بوده و با بقاء خدا باقی است» (طباطبایی، ۱۱/۴۷۰).

۲-۳. ترتیب نزول سوره‌های قرآن

منظور از ترتیب نزول در این پژوهش ترتیبی است که در روایات ذکر شده است. بخشی از آنها روایاتی است با عنوان روایات ترتیب نزول که ترتیب نزول سوره‌های قرآن را از ابتدای دوران مکه تا پایان دوران مدینه نام برده است. بخش دیگر روایاتی است که ذیل برخی از سوره‌های قرآن نقل شده و زمان نزول آنها را بیان کرده است. (برای نمونه ذیل سوره‌های بقره، انفال، نصر، فتح، مائده) بخش سوم روایاتی است که درباره زمان و مکان نزول برخی از آیات قرآن و حتی نزول آنها در شب یا روز و یا فصل‌های سال سخن گفته که در مجموع به کشف زمان نزول سوره‌های آنها کمک می‌کند. (سیوطی، ۲۵) افزون بر این روایات، طبق گزارش‌ها مصحف حضرت علی نیز به ترتیب نزول نگارش شده بوده که البته در دست نیست، اما اهمیت بررسی تنزیلی سوره‌های قرآن را نمایانگر می‌سازد. (بهجت‌پور، ۳۰۳) در کنار این روایات نیز برخی محققان مسلمان همچون دروزه، و عابد الجابری و مستشرقانی همچون مویر، ویل، نولدکه، گریم و بلاشر با تکیه بر قرائن دورن متنی و برون متنی به تهیه فهرست‌های اجتهادی از ترتیب نزول سوره‌های قرآن پرداخته‌اند. (نکونام، ۱۰)

فارغ از نقاط قوت و ضعف هریک از این روایات و فهارس، همچنان مشهورترین راه دستیابی به ترتیب نزول سوره‌ها، استناد به روایات ترتیب نزول است. این روایات خود به سه دسته قابل تقسیم است. نخست روایاتی که ترتیب نزول سوره‌ها را از معصومین نقل کرده است. در این گروه به روایت سعید بن مسیب از امام علی (معرفت، ۱/۱۳۵)، روایت مقاتل از امام علی و روایتی منسوب به امام صادق از ترتیب نزول سوره‌ها می‌توان یاد کرد.

(شهرستانی، ۱۶/۱) هرچند در این روایات تنها روایت امام صادق کامل است و مابقی روایات ناقص است. دوم روایاتی که از ابن عباس (طبرسی، ۶۱۲/۱۰-۶۱۳) یا شاگردان او همچون عطاء، مجاهد عکرمه، ابوصالح (معرفت، ۱۳۵/۱)، ضحاک و حسن بصری (نکونام، ۱۲۸) نقل شده است. در مجموع در میان همه روایات ترتیب نزول روایت ابن عباس است که شهرت فراوانی یافته و بزرگان شیعه همچون علامه طبرسی و معرفت بدان استناد ورزیده‌اند. (طبرسی، ۶۱۲/۱۰-۶۱۳، معرفت، ۱۳۵/۱) سوم روایاتی است که از متقدمانی همچون زهری، جابر بن زید، حسین بن واقد و مقاتل درباره ترتیب نزول سوره‌ها نقل شده است. (نکونام، ۱۲۸) در این میان بهجت پور طریق عطاء از ابن عباس را با استناد به آنکه افراد سند آن همگی موثق هستند، معتبرترین روایت ترتیب نزول دانسته و مواردی که این روایت خلأ داشته را با ترکیب دیگر روایات ترتیب نزول و کشف وجه مشترک دیگر روایات درباره برخی سوره‌های جامانده در روایت عطاء برطرف نموده است. او با مقایسه هفت روایت مسند ترتیب نزول به این دستاورد رسیده که در ترتیب نزول ۷۰ سوره قرآن اتفاق نظر وجود دارد و در ۴۴ سوره دیگر نیز برخی جداول با یکدیگر اختلاف دارند و در مجموع تفاوت‌ها چشمگیر نیست. (بهجت پور، ۳۴۵) در نتیجه در این نوشتار از حتی‌الامکان بر وجه اشتراک سوره‌ها در روایات ترتیب نزول تمرکز شده و در موارد اختلافی از روایت مشهور ابن عباس بهره گرفته شده است.

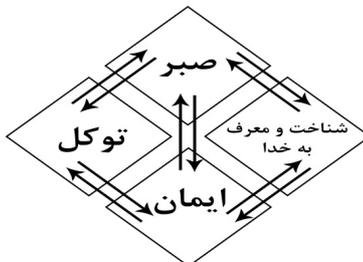
۳- رفتار شناسی صبر

مطالعات در حوزه علوم رفتاری نشان می‌دهد که علوم رفتاری به فرایندهای تصمیم‌گیری و استراتژی‌ها در داخل و بیرون انسان می‌پردازد. رفتار کوششی است که برای رسیدن به هدف‌هایی انجام می‌گیرد که موجب از بین رفتن تنش‌ها می‌شود. رفتار در اصل هدف‌گرا است و به عبارت دیگر انگیزه رفتار معمولاً رسیدن به یک هدف است انرژی روانی برای هر رفتاری، نشأت گرفته از نیازی است که در شخصیت انسان قرار دارد.

فیض کاشانی معتقد است «رفتار صبر به وجود انسان اختصاص دارد و خداوند، صورت نازله صبوری خویش را به انسان اعطا کرده است.» (همو، ۵۵)، «بسیاری از فضائل اخلاقی ریشه در رفتار صبر دارند.» (نراقی، ۶۱۴) و «خود رفتار صبر محصول معرفت ایمانی است» (کریمیان، ۲۲۵) رفتار صبر با شناخت و معرفت الهی در سایه تربیت اعتقادی شکل می‌گیرد و این شناخت و معرفت و آگاهی درجاتی از ایمان و یقین را در انسان معتقد بوجود می‌آورد و ایمان منجر به درجه‌ای از توکل می‌شود و توکل نیز به نوبه خود به رفتار صبورانه منتهی می‌شود پس صبر رفتاری است که محصول توکل و یقین و ایمان و معرفت است. اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که ایمان موجد صبر است و ایمان نتیجه رشد معرفت و یقین است. البته توکل و اعتماد به خدا نیز مقامی است که از کمال معرفت و یقین حاصل می‌شود. (میناگر، ۵۱) رابطه صبر با توکل و یقین و ایمان و معرفت رابطه‌ای دو سویه است یعنی همانطور توکل و یقین و ایمان و معرفت موجب شکل‌گیری و تثبیت رفتار صبر می‌شود. رفتار صبورانه هم موجب افزایش و تعمیق معرفت حق و شناخت حقایق توحیدی و تقرب به یقین می‌شود و سپس در گام بعدی ارتقای معرفت توحیدی و موجد مرتبه بالاتری از ایمان می‌گردد و به تبع آن، توکل به خدا نیز محکم‌تر و ریشه‌ای‌تر می‌شود. رفتارهایی همچون اخلاص، اظهار نیاز، بندگی، استواری و عزم، یقین، موجب پدیداری اقسام صبر می‌شوند.

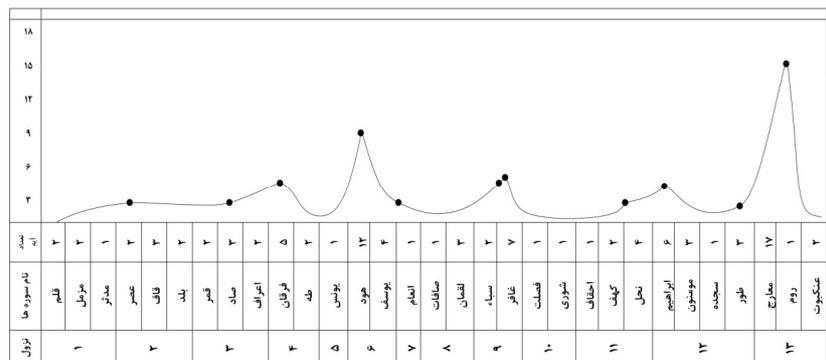
از امام علی (ع) روایت شده است «نسبت صبر به ایمان همچون سر به بدن است.» (سید رضی، ۸۲) زیرا صبر به واسطه نقش معرفتی‌اش سهم مهمی در تربیت اعتقادی و شکل‌گیری ایمان و رشد آن دارد (کریمیان، ۲۲۵) شکل ذیل این رابطه دو سویه ایمان و صبر را نشان می‌دهد که صبر راس ایمان است.

نمودار روابط دوسویه ایمان و صبر
صبر و سایر فضائل



از ویژگی‌های بارز و متمایز رفتارشناسی قرآنی، اهتمام آن به رابطه تربیت اعتقادی و صبر است. موضوعی که کمتر از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرآنی مورد توجه قرار گرفته است (شمشیری، ۶۷) با توجه به موضوعاتی که در خصوص مفهوم‌پردازی صبر به عنوان یک رفتار اعتقادی و ارتباط آن با ایمان، معرفت و حقیقت‌جویی و نقش آن در تربیت اعتقادی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار صبر در ترتیب نزول و در سیر تربیت اعتقادی تاثیرگذار بوده و حتی نوع و میزان و درستی یا نادرستی تربیت اعتقادی را رقم زده است. صبر نقش بسزایی در ادراک حقایق اعتقادی و قضاوت‌های فکری و عقلانی انسان ایفاء می‌کند چنانچه شتابزدگی زمینه‌های معرفت را زائل و قضاوت انسان را نادرست خواهد کرد. رسول الله (ص) به عنوان مربی تربیت اعتقادی قرآن، با مشکلات و سختی‌های ناگواری روبرو شد که اگر در برابر صدها اذیت و آزار، تهمت‌ها، دوروغ‌ها، جوسازی‌ها، تحریم‌ها، تهدیدها و توهین‌ها، ناشکیبایی و بی‌تابی می‌نمود و در برابر حوادث زانو خم می‌کرد، هیچ‌گاه موفق به تربیت اعتقادی که خدا در قرآن معین نموده نمی‌شد. ولی رسول الله (ص) با صبر و استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون و مقابله با جزع و بی‌تابی و از دست ندادن روحیه مقاومت و تسلیم نشدن در برابر مشکلات و سختی‌ها اسباب هدایت و تربیت مردم را رقم زد و آن را محقق ساخت.

نمودار تکرار آیات صبر در سور مکی به ترتیب نزول



۱-۳. هندسه شکل گیری رفتار صبر بنابر نظریه الهام به ترتیب نزول

از مسائل کلیدی در قرآن مسأله توحید در صبر است. درک و فهم این مسأله با سرنوشت انسان در ارتباط است. اگر انسان درک و تصویری درست از حقیقت توحید نداشته باشد نمی‌تواند مسیر خود را به درستی بشناسد و در آن حرکت نماید و صبوری و مقاومت ورزد. گردآوری و فراهم ساختن همه اسباب و مقدمات، از قلمرو قدرت انسان‌ها خارج و در انحصار خداست؛ و درست به همین دلیل، افاضه‌کننده توفیق صبر، تنها اوست و باید از او توفیق صبر خواست. چرا که اگر کمکی از جانب او نباشد، انسان از تحقق صبوری و شکیبایی بر نمی‌آید. کسی که معتقد است خداوند منشاء هر خیری است توجه به همین امر موجب می‌شود تا تنها به خداوند استعانت بجوید. از این‌روست که در آیات قرآنی استعانت از خداوند را مربوط به حوزه ربوبیت الهی قلمداد نموده‌اند (زمخشری، ۱۳۴/۱). درخواست صبر از خدا نشانه افاضه صبر از جانب اوست و این چنین است که

توحید باوران از او طلب صبر می‌کنند. (طبرسی، ۵ و ۳۳۴/۶)

رفتار صبر بنابر نظریه الهام به ترتیب نزول از یک هندسه چهار ضلعی برخوردار است که ضلع اول آن را می‌توان الهام خداوند به بنده مستعد صبر برای درخواست صبر و

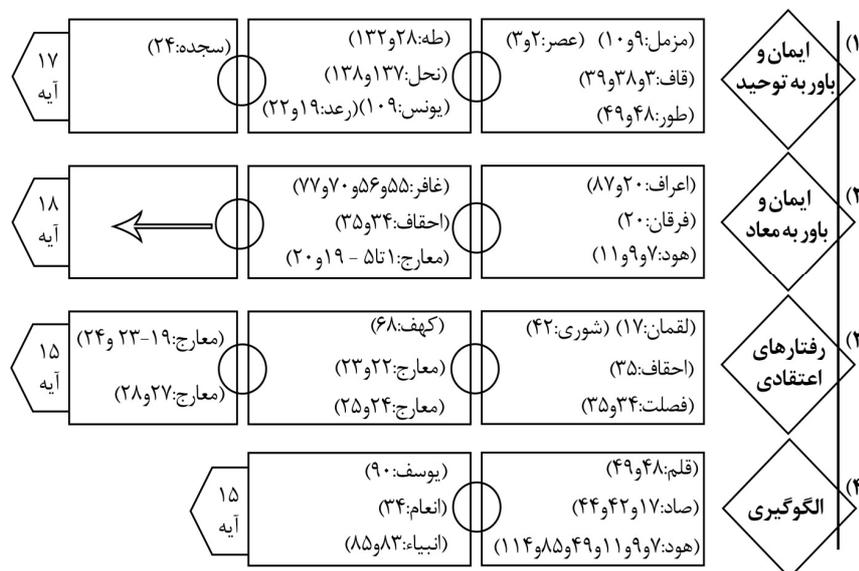
شکیبایی دانست و با این الهام قلب بنده‌ای که در بحبوحه سختی‌ها و گرفتاری‌ها قرار دارد احساس نیاز خود به صبر را اعلام می‌کند. در ضلع دوم بنده درخواست صبر از خدا را در قالب دعا ارائه می‌کند «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ» (پروردگارا بر ما شکیبایی فروریز و ما را مسلمان بمیران (الاعراف، ۱۲۶) «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا» (الاعراف، ۱۲۸) موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جوئید و پایداری ورزید «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ، الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ، وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا، وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا، قُلْ مَا يَعْباؤُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (الفرقان، ۶۳ تا ۷۷) و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که موحدانه دست به دعا برمی‌دارند و درخواست می‌کنند: پروردگارا ما را پیشوای پرهیزگاران گردان. اینانند که به پاس آنکه صبر کردند غرفه‌های بهشت را پاداش خواهند یافت. بگو اگر دعای شما نبود پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌نمود. «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ، إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» (المومنون، ۱۰۹ تا ۱۱۱) در حقیقت دسته‌ای از بندگان من بودند که می‌گفتند پروردگارا ایمان آوردیم بر ما ببخشای و به ما رحم کن و طلب تحمل و پایداری نمودند من هم امروز به پاس آنکه صبر کردند بدانان پاداش دادم آری ایشان رستگارانند.

در ضلع سوم خواست خدا به درخواست بندگان تعلق گرفته و مشیت و حمایت خداوند شامل حال بندگان می‌شود و بارش صبر و قدرت پایداری و تحمل را به آنها عرضه می‌دارد. «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ» پروردگارا بر ما شکیبایی فروریز (الاعراف، ۱۲۶) «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» (و ای پیامبر صبر پیشه کن و صبر تو جز به یاری و توفیق خداوند نیست و بر آنان اندوه مخور، و از آنچه مکر و تدبیرهای خصمانه‌ای که می‌کنند، دل‌تنگ و در فشار مباش) (النحل، ۱۲۷) «أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (الصافات، ۱۰۲) آنچه ماموری را انجام بده ان شاء الله مرا از صابران و شکیبایان خواهی یافت ای رسول

صبر تو بتوفیق و تایید الهی است و صبر نمودن جز به مشیت و کمک و حمایت و عنایت خداوند میسر نخواهد بود.

در ضلع چهارم که صبر در سایه استعانت از خدا تحقق یافته، نتایج این صبوری را خداوند برای تقویت صابران و پایداری بیشتر آنها مطرح می‌کند. «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف، ۱۲۸) از خدا یاری جوید و صبوری و پایداری ورزید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است. «فَصَبِرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» (یوسف، ۱۸) صبری نیکو و زیبا برای من بهتر است و بر آنچه توصیف می‌کنید خدا یاری دهنده من خواهد بود «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۸۷ تا ۹۰) به راستی خدا بر ما منت نهاده است. بی‌گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

نمودار فراوانی عوامل موثر در شکل‌گیری صبر در سوره مکی به ترتیب نزول



۴- کاربست‌های تربیتی «صبر» به ترتیب نزول

مطالعات تفسیری نشان می‌دهد که از ۸۶ سوره مکی قرآن به ترتیب نزول، ۳۶ سوره به واژه «صبر» و موضوع صبر و کاربست‌های آن در تربیت اعتقادی پرداخته‌اند و باور بر این است که صبر به رفتاری اعتقادی همواره در سیر تربیت اعتقادی، مورد توجه و تاکید قرآن بوده است. قرآن، صبر و شکیبائی را اساس و ضامن اجرای همه برنامه‌های محول شده به رسول الله (ص) می‌داند و مهمترین سرمایه راه تربیت اعتقادی همین رفتار صبر و شکیبائی می‌باشد.

۴-۱. کاربست‌های تربیتی صبر به ترتیب نزول براساس مخاطب عام و خاص

بررسی این کاربست‌ها در نگاه اول براساس مخاطب خاص و عام و با رویکرد به حوزه جامعه‌سازی شکل گرفته است که در سه گروه از سوره‌های مکی به ترتیب نزول می‌باشد.

الف) سوره‌های مکی از القلم تا البلد

دعوت به رفتار اعتقادی صبر و توصیه به آن در سوره‌های اولیه مکی از "القلم گرفته تا البلد"، مخاطب خاص داشته و بیشتر معطوف به شخص رسول الله (ص) است. کاربست‌های صبر در این گروه سوره، هشدار نسبت به تعجیل و بی‌صبری از سوره قلم دومین سوره به ترتیب نزول شروع می‌شود و به عنوان راهکاری بازدارنده از احساس خشم، کینه‌ورزی و انتقام‌جویی توصیه می‌شود. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ» (القلم، ۴۸) اهمیت این توصیه در مقابل سرسختی و بی‌منطقی مشرکان و دشمنان اسلام که قلب رسول الله (ص) را می‌فشرد که امکان داشت در مورد آنها نفرین کند، خداوند در این آیه رسول الله (ص) را دلداری داده، و امر به صبر و شکیبائی می‌کند و توصیه می‌نماید که مانند یونس مباش که از خشم برعذاب امت خود تعجیل کرد و آنها را نفرین نمود. منتظر باش تا خداوند وسائل پیروزی تو و یارانت و شکست دشمنانت را فراهم سازد، هرگز برای عذاب آنها عجله مکن، و در طریق ابلاغ احکام پروردگار صبر و استقامت داشته باش. خداوند در سوره قلم راهکارهای مقابله با مشرکان را تبیین می‌کند و دو وظیفه اصلی را برای رسول الله (ص) برمی‌شمارد.

اول: عدم تبعیت از آئین مشرکان و تسلیم نشدن در برابر خواسته‌های نامشروع آنان

دوم: صبر کردن و عدم تعجیل در تقاضای عذاب برای مشرکان

در این سیر، رسول الله (ص) می‌خواهد، با پایداری و مقاومت زمینه را برای شکست تدریجی مشرکان مهیا سازد و با صبر و حوصله مراحل دعوت را گام به گام به جلو ببرد. دعوت به صبر جمیل در برابر هجمه گفتاری و رفتاری کفار، مترفین تکذیب‌گر و معارضین تربیت اعتقادی در سوره مزمل مورد تأکید قرار گرفته است. «وَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (المزمل، ۱۰) تحمل هر نوع زخم زبان و اتهامات ناروا و کناره‌گیری از افراد یا گروه‌های منحرف نشانگر صبر و سعه صدر رسول الله (ص) بود. (وَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ) ابتدا باید صبر کرد و سپس کناره‌گیری کرد. صبر، مقدم بر هجر است. کسی که خداوند را به عنوان وکیل خود برگزیند، به راحتی می‌تواند از منحرفین و مشرکین کناره‌گیری کند. (قمی مشهدی، ۱۱/۱۴) مفهوم صبر در این سوره بر حلم و بردباری با عذوفت و بخشندگی و پرهیز از بغض، نفرت و حس تلافی در تعاملات بین فردی و زندگی اجتماعی دلالت دارد به صبر، لازمه تحقق تربیت اعتقادی، صبوری و شکیبایی قلمداد شده است. آیه هفت سوره مدثر، رسول الله (ص) را موظف به صبوری و شکیبایی می‌نماید. «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (المدثر، ۷) رسول الله (ص) بعد از دریافت وحی و مقام نبوت، موظف به وظیفه انذار و بزرگ شماری پروردگار و تربیت اعتقادی می‌شود. صبر در این آیه بر اقامه صحیح رسالت و مقاومت برابر آزار مشرکان و دشمنان جاهل و نادان و شکیبایی در طریق عبودیت و اطاعت فرمان خدا بر جهاد با نفس و جهاد با دشمن دلالت دارد. البته رفتار صبر در این گروه سوره‌ها بر مریبان تربیت اعتقادی قابل تعمیم می‌باشد.

ب) سوره‌های مکی از اعراف تا صافات

دعوت به رفتار اعتقادی صبر و توصیه به آن در سوره‌های مکی از "الاعراف تا الصافات"، مخاطب عام دارد و عموم مسلمین مخاطب آیات صبر می‌باشند رفتار صبر برای نجات از آزار و اذیت سران کفر و حفظ ایمان در برابر تهدیدها و شکنجه‌ها است

استعانت از صبر برای پایداری بر مشیت الهی است (الاعراف، ۲۰ و ۸۸) و صبوری بر امتحان و ابتلائات هدفمند الهی صورت می‌گیرد. (الفرقان، ۲۰؛ الهود، ۷، ۹، ۱۱، ۴۹، ۸۵، ۱۱۴) از سوره طه به بعد مجدداً بر نقش و تاثیرگذاری صبر بر تربیت اعتقادی تاکید شده و تا سوره نحل این رویه ادامه یافته است. استعانت از صبر برای پایداری بر تقوا و ایمان به توحید (طه، ۲۸ و ۱۳۲)، (النحل، ۱۲۷ و ۱۲۸) و تقویت ایمان به حاکمیت الهی (یونس، ۹ و ۱۰) و کسب پاداش‌های الهی (یوسف، ۹۰) و دریافت امدادهای و حمایت‌های الهی (الغافر، ۵۵)، (یوسف، ۸۳، ۸۸ و ۹۰) از جمله کاربست‌های صبر در این گروه سوره‌ها می‌باشد.

ج) سوره‌های مکی از لقمان تا مطففین

دعوت به رفتار اعتقادی صبر و توصیه به آن در سوره‌های مکی از "لقمان گرفته تا المطففین"، مخاطب عام و خاص دارد و هم رسول الله (ص) و هم عموم مسلمین مخاطب آیات صبر می‌باشند. البته در این گروه سوره‌ها تاثیر رفتار صبر در آماده سازی رسول الله (ص) و مومنین برای بهرمندی از سایر رفتارهای اعتقادی و دست‌یابی به رشد و معرفت الهی رویکرد معنا داری پیدا می‌کند. الگوگیری از اسوه‌های صبر و استعانت از صبوری برای قوت اراده و عزم استوار (لقمان، ۱۷)، (الشوری، ۴۳)، (الاحقاف، ۳۵) و استعانت از صبر برای مقابله منطقی با گفتمان جبهه کفر (الغافر، ۵۶، ۷۰ و ۷۷) بهره‌گیری از صبر برای نهادینه شدن رفتارهای اعتقادی (فصلت، ۳۴ و ۳۵) و کسب علم و آگاهی (الکهف، ۶۸) و افزایش بصیرت و تقویت باورهای اعتقادی (الرعد، ۱۹ و ۲۲) و افزایش یقین به آیات الهی (السجده، ۲۴) و توفیق یابی و کمک رسانی و رسیدگی به محرومین (المعارج، ۲۴ و ۲۵) و گواهی به حق و اقامه نماز و وفای به عهد (المعارج، ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۳۳) سیر تربیتی رفتار صبر در این گروه سوره‌ها می‌باشد.

۲-۴. کاربست‌های تربیتی صبر به ترتیب نزول براساس راهکارهای برون رفت از سختی‌ها

کاربست‌های تربیتی در نگاه دوم با رویکرد به حوزه فرد سازی براساس راهکارهای

برون رفت از سختی‌ها و مشکلات در مسیر تربیت اعتقادی شکل گرفته است در این نگاه سوره‌های مکی به چهار گروه به ترتیب نزول تقسیم می‌شوند.

الف) گروه سوره‌های الحمد تا العصر

سوره‌های الحمد، المسد، التکویر، الاعلی، اللیل، الفجر و الضحی مستقیماً اشاره‌ای به موضوع صبر ندارند اما صبر به عنوان یکی از راه‌های برون رفت از سختی‌ها و مشکلات در مسیر تربیت اعتقادی در آیات (۵ تا ۷) سوره الانشراح مورد توجه واقع شده است «الْمُ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ» (الانشراح، ۱) حرکت دادن انسان‌ها از خودمحوری و نفس‌پرستی به خداخواهی و توحیدگرایی و حق‌پرستی کاری بسیار سخت و طاقت فرساست که این بار سنگین تنها با کارکرد صبر و انشراح صدر و افزایش آستانه تحمل در سختی‌ها و کاهش فشار روحی و روانی امکان‌پذیر است در سوره عصر توأسی به صبر برای حفظ ایمان و عمل صالح مورد تأکید قرار می‌گیرد تا انسان، ایمان، اخلاص، سلامت روان و خرد، امانت و امانتداری، وفا و صفا، راستی و درستکاری را از کف ندهد و گرفتار «خسران آشکار» نشود حفظ ایمان و انجام عمل صالح و احقاق حق و اجرای حق و ادای حق در جامعه مستلزم توأسی به صبر در سیر تربیت اعتقادی است که در سوره عصر مورد تأکید قرار گرفته است «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (العصر، ۳) این آیه بر صبوری، شکیبایی و استقامت توصیه کرده تا مساله شناخت و آگاهی به عنوان مهمترین عامل در حفظ ایمان و احقاق حق و عمل صالح شکل گیرد (طبرسی، ۳۰ / ذیل سوره عصر).

ب) گروه سوره‌های العادیات تا البلد

سوره‌های العادیات، الکوثر، التکاثر، الماعون، الکافرون، الفیل، الفلق، الناس، الاخلاص، النجم، عبس، القدر، الشمس، البروج، التین، قریش، القارعه، القیامت، الهمزه، المرسلات، مستقیماً اشاره‌ای به موضوع صبر ندارند. و لکن استمرار صبر در پرتو ذکر و تسبیح و حمد خداوند در سوره قاف، سی چهارمین سوره به ترتیب نزول ارائه شده است. «فَاصْبِرْ عَلٰی مَا یَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ» (ق، ۳۹) صبر در این آیه بر

راهکارها و عوامل ایجاد و استمرار تسبیح و تحمید خداوند در طول شبانه روز دلالت دارد. (صبر بر طاعت) لذا خداوند، راه صبوری در برابر مخالفان را، ذکر و یاد خود برشمرده است که توان تحمل در برابر سخنان یاوه را به صابر می‌دهد و از هیجده مرتبه‌ای که خدا فرمان صبر به رسول الله(ص) می‌دهد، چهار مرتبه صبر در برابر سخنان یاوه است که در سوره‌های (المزمل، ۱۰؛ ق، ۳۹؛ ص، ۱۷؛ طه، ۱۳۰) آمده است. همچنین در سوره بلد توصیه مومنین به صبر مورد تأکید قرار گرفته است. متربیانی که با تربیت اعتقادی (نگرش مومنانه و رفتار اعتقادی) به «جهاد اکبر» و خودسازی و خودشکوفایی و بهره‌وری شایسته و بایسته از ابزارهای شناخت و وسایل هدایت و نجات پرداخته‌اند با افشاندن بذر مهر و دوستی، سفارش به مدارا و شکیبایی را در زندگی تجربه می‌کنند. (طبرسی، ۱۷/۳۰-۱۸) (بلد) توأصی به صبر توأصی به بهترین معروف‌ها می‌باشد. «ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» (البلد، ۱۷ و ۱۸) صبر در این سوره بر خصوصیات دو گروه تربیت شده اعتقادی و کسانی که زیر بار این تربیت نرفته‌اند دلالت دارد. یکی اصحاب یمین که همدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش می‌نمایند و دیگری (أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ) که نشانه‌های خدا را انکار می‌کنند و از ارائه مرحمت و محبت و مهربانی به فقراء و مساکین و ایتمام و ارحام سر باز می‌زنند.

ج) گروه سوره‌های الطارق تا الاحقاف

این گروه سوره‌های مکی بر مراقبت از صبوری به عنوان رمز موفقیت در فرآیند تبلیغ و تربیت تأکید دارند از جمله در آیه ۲۷ سوره القمر، خداوند حضرت صالح (ع) را به مراقبت و صبوری امر کرده است که لازمه موفقیت حضرت صالح (ع) در فرآیند تبلیغ و تربیت اعتقادی همین مراقبت بر صبوری و شکیبایی ذکر شده است «إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَأَصْطَبِرْ» (القمر، ۲۷). اصطبار به معنای شکیبایی و صبرکردن در موارد صبر است. صبر در این آیه بر مراقبت بصیرت‌مندانه از فعل و انفعالات معاندان کافر و شکیبایی بر آزارشان در فرآیند تبلیغ و تربیت اعتقادی اشاره دارد.

«وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ، وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا، إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص، ۴۱ تا ۴۴) و بنده شایسته ما ایوب را به یاد آور، که به او و خانواده‌اش رحمتی بخشیدیم، به یقین ما او را بنده‌ای شکیبیا یافتیم. و خداوند بواسطه این صبر که در پرتو ایمان و انجام رفتارهای اعتقادی انجام شد مهر و رحمتی به او و خانواده‌اش ارزانی داشت و به بزرگداشت موقعیت والای معنوی آن حضرت پرداخت «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ» (طبرسی، ۳/ ذیل آیه ۴۴ ص) در ادامه این سیر، استعانت از صبر برای پایداری بر ولایت و داوری خدا و حفظ ایمان به نبوت رسول الله (ص) مورد توجه قرار گرفته است و آیات ۸۷ و ۱۲۶ و ۱۲۸ سوره الاعراف بر این موضوع دلالت دارد. «وَإِن كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَ طَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (الاعراف، ۸۷)، «وَ مَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ» (الاعراف، ۱۲۶)، در کارهای فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی و مادی و معنوی از خدا بخواهید که یاری و کمک کند؛ چنان که خداوند در آیه ۱۲۸ سوره الاعراف به امت موسی (ع) از زبان حضرت موسی (ع) فرمان می‌دهد «قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف، ۱۲۸) صبر در این آیات نیز بر زیر بار ظالم نرفتن و پایداری بر ولایت و داوری خدا و حفظ ایمان به نبوت رسول الله (ص) دلالت دارد. ظهور قدرت صبوری و شکیبایی در برابر امتحانات و آزمون‌های الهی خواسته‌ای است که مومنان از پروردگار بصیر خود دارند و آیه ۲۰ سوره الفرقان دلالت بر این معنا می‌کند. «وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا» (الفرقان، ۲۰) صبر در این آیه نیز بر پایداری خالصانه در سختی امتحانات و آزمایش‌های الهی دلالت دارد.

استقامت و صبوری بر حمد و سپاس الهی و عبودیت و بندگی خدا و اقامه نماز در آیات ۱۳۰ و ۱۳۲ سوره طه مورد توجه قرار گرفته است. خداوند خطاب به رسول الله (ص) او را توصیه به مصیبت و طاعت می‌کند. «فَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ

رَبِّكَ» (طه، ۱۳۰). و در آیه ۱۳۲ سوره طه، استعانت از نماز و صبر در برابر هجمه‌های گفتمانی و روانی دشمنان مورد تأکید قرار می‌گیرد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه، ۱۳۲)

خداوند از لسان صاحبان مقام علم و معرفت به دنیاپرستان قارون صفت می‌گوید «وَقَالَ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ وَيَلِكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (القصص، ۸۰) این آیه بر پاداش‌های صابران مومن که سختی آخرت‌نگری را بر چرب و شیرین دنیا ترجیح داده‌اند دلالت دارد. متابعت از وحی و صبر نمودن بر رنج و محنت از امت، تا صدور حکم الهی، در خواستی است که خداوند از رسول الله (ص) کرده است. «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس، ۱۰۹) صبر در این آیه بر تحمل رنج و محنت و متابعت از احکام الهی دلالت دارد.

صابر مومن در پرتو ایمان به توحید الهی خود را از رذائل مشرکانه همچون بخل، تنگ نظری، کوتاه فکری، غفلت، ناامیدی و ناسپاسی و غرور رهانیده و با ظرفیت‌سازی، استعداد فهم اخبار غیبی و حیانی را به دست می‌آورد و با شکیبایی در برابر مشکلات، مخالفت‌ها، آزارها، هیجان‌ها، طغیان‌ها و مصائب و عمل کردن به نیکی‌ها، اسباب غفران و آمرزش و مقام محسنان موحد را برای خود رقم می‌زند. آیات ۱۱، ۴۹ و ۱۱۵ سوره هود ترسیم‌گر سیر تربیت اعتقادی مومنان صابر می‌باشد. «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (هود، ۱۱). صبر در این آیه بر، ایمان و پاکسازی صفات مشرکانه همچون بخل، تنگ نظری، کوتاه فکری، غفلت، ناامیدی و ناسپاسی و غرور برای کسب مغفرت و اجر کبیر دلالت دارد «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود، ۴۹) این آیه خطاب به رسول الله (ص) است که حضرت را به صبوری در برابر تمسخرها و آزار مشرکان دعوت می‌کند و اعلام می‌کند که عاقبت از آن اهل تقوا است و خداوند به پاداش صبرشان، آنان را وارثان زمین قرار می‌دهد. «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبیاء، ۱۰۵) «وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ

أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود، ۱۱۵) صبر در رفتارهای اعتقادی و عبادی از بزرگترین ارکان به شمار می‌آید، و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان بر مصائب و ناملایمات زندگی فائق آمده و نفس انسان را از جزع و فزع و اضطراب نگاه داشت.

صبر جمیل صبری است که مومن صابر بدون شکوه و شکایت در برابر تلخی و دشواری مصیبت‌ها و بلاهای استقامت به خرج داده و با توکل به خدا از او طلب استعانت و مدد می‌کند. این صبر زیبا در آیه ۱۸ سوره یوسف مطرح شده است. «قَالَ بَلْ سَوَّيْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» (یوسف، ۱۸) صبر در این آیه دلالت بر آن دارد که انسان در قلب خود استقامتی داشته باشد و بتواند کنترل نفس خود را که پایداری حیات انسان وابسته به آن است در دست گرفته، دل خود را از تفرقه، نسیان و فساد رأی باز دارد. (طیب، ۲۱۲/۱۰)

نوع دیگر صبر جمیل، صبر در بلیات و مصائب می‌باشد که بسیار مدح قرار گرفته است و در آیات شریفه قرآن بر آن ترغیب شده است. «قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (الزمر، ۱۳) و «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (الاحقاف، ۳۵) و صبر جمیل آن است که مومن نزد احدی جز خدا شکایت نکند و درد دل نگوید و بی‌تابی نکند و خود را نبازد و تحمل کند «قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یوسف/۸۶) این نکته قابل توجه است که انسان ولو اینکه افعال او اختیاری است چه امور قلبی باشد از تحصیل ایمان و علم و یقین و اعتقاد و غیرها و چه امور نفسانی باشد از ازاله اخلاق رذیله و تحصیل صفات حمیده و چه امور جوارحی باشد از اعمال خارجی احتیاج شدید به اعانت حق و اعطاء تو فیق صبر دارد. حضرت یعقوب (ع) بعد از آنکه عنوان کرد که (من صبر جمیل) می‌کنم (والله المستعان) یعنی طلب اعانت می‌کنم از خداوند که تو فیق صبر بمن عطاء فرماید و ثبات قدم و کاری که منافی با صبر است از من صادر نشود. تحمل سختی‌ها و مصائب بدون جزع و فزع و شکوه و شکایت با اعانت حق و اعطاء توفیق و عنایات و الطاف خفیه الهی میسر خواهد بود. (طیب، ۲۱۲/۱۰)

تحمل سختی‌ها و مقاومت و صبوری بر مشکلات در راه اقامه فرائض دینی دیگر توصیه کارساز بر مقوله صبر است که در آیه ۱۷ سوره لقمان مطرح شده است. که بر صبر و مقاومت در مسیر تربیت اعتقادی تاکید دارد. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان، ۱۷) صبر در این آیه بر قدرت و پایداری مومن و تحمل همه تلخی‌ها و فشارها برای انجام صحیح فرائض و تحقق آنها دلالت دارد. پاداش بی حساب از آن صابران خواهد بود که ایمان خود را مقرون به تقوی کرده و با احسان و نیکی در دنیا، آخرت خود را وسعت داده و مشمول حسنات الهی می‌شوند.

«إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (الزمر، ۱۰) «صبر چه بر زحمت عبادت و چه بر ترک معاصی و چه بر شدائد و بلیات باشد اجر بی حساب دارد» (طیب، ۱۱۲/۱۴) صبر در این آیات بر تحمل سختی هجرت مومنانه از وطن و از گناه دلالت دارد. بهره صابران از خصال حمیده و صفات پسندیده‌ای که منتهی به سعادت دائم آنها شود فراوان است و لیکن به مقام بلند «پاداش بدی را با نیکی دادن» نمی‌رسند جز مومنانی که در راه دینداری دارای مقام صبر و ثبات در معرفت الهی هستند. بهره و حظ بزرگ، از دیدگاه قرآن برای افرادی است که کرامت نفس و سعه صدر داشته باشند «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» رفتار نیکو با ناهلان و تحمل مخالفان، مخصوص کسانی است که قبلاً خودسازی کرده و تمرین داشته باشند و تنها صابران هستند که چنین حظ عظیمی دارند «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا، إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» پاداش کرامت نفس و سعه صدر صابران در آیه ۳۵ سوره فصلت مطرح شده است صبر در این آیه بر تحمل رفتار جاهلانه و بدی را با خوبی پاسخ دادن و درک لذت عفو و کرامت نفس و سعه صدر را چشیدن دلالت دارد. گذشت و عفو از کارهای بزرگ و مطلوب الهی است که با حلم و حوصله و صبوری و بردباری همراه است چرا که مشکل و سخت می‌باشد. کاربست خویشتن‌داری و گذشت به جای انتقام مورد سفارش قرآن است «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» هر که شکیبایی ورزد و درگذرد، نشان اراده قوی اوست که از خصال پسندیده می‌باشد. (الشوری، ۴۳) و هر آینه آنکه صبر کرد و

گذشت نمود، گذشت و عفو مؤمنانه او از کارهای بسیار بزرگ و پسندیده و مطلوب الهی خواهد بود) (طیب، ۵۰۳/۱۵) صبر در این آیه نیز بر گذشت و عفو مؤمنانه دلالت دارد.

آیه ۳۵ سوره الاحقاف تاکید دارد که مربی تربیت اعتقادی باید از صبر و سعه صدر پیامبران اولوالعزم برخوردار باشد «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُتُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَعَلَّ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ» (الاحقاف، ۳۵) مراد از صبر در این آیه علاوه بر تحمل رنج‌ها و دردها، مهلت و فرصت دادن به مردمان و انتظار کشیدن و نفرین نمودن و درخواست عذاب استیصال نکردن و با عجله مرگ و نابودیشان را خواستار نشدن است و چنین صبوری نیازمند اراده محکم و استوار و تصمیم ثابت و پایدار می‌باشد «أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ». قرآن تمام پیامبران را از صابران می‌داند. «كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ» (الانبياء، ۸۵) البته صبر همه‌ی انبیا در یک درجه نیست، «أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» و رسول‌الله (ص) از انبیای اولوالعزم است چرا که تکلیف به صبوری همچون صبر پیامبران اولوالعزم، بر حضرت ارائه شده است. «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ» (الاحقاف، ۳۵).

د) گروه سوره‌های ذاریات تا مطففین

در این گروه سوره‌های مکی به ترتیب نزول، ارزشمندی رفتار صبر در حوزه تربیت و آثار آن در سیر تربیت اعتقادی مطرح شده است و مقوله انتخاب و تقاضای رشد و پرهیز از تعجیل و شتابگری در آیات ۶۷ تا ۶۹ و ۷۸ سوره الکهف ارائه شده که صبر در برابر عجله و شتاب می‌باشد. «قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا» مربی حضرت موسی، فقدان صبر را ناشی از نبود علم می‌داند (الکهف، ۶۷ تا ۶۹) «قَالَ إِذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأْتَبُوكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (الکهف، ۷۸). صبر در این آیات بر پرهیز از تعجیل و شتاب‌زدگی دلالت دارد. این آیات به طرح یکی از موانع شناخت و معرفت الهی و تربیت اعتقادی پرداخته است و آن عجله بودن و شتاب‌زدگی انسان است. اگر چه عمدتاً صبر را

در برابر (جرع و فرع) و (وادادگی هوای نفس)، (فتنه و جنگ)، (کم ظرفیتی و دل‌تنگی) بکار برده‌اند اما اینجا معنای جدیدی مطرح شده است و آن خصلت تعجیل و شتابزدگی انسان است که با صبوری و شکیبایی درمان می‌یابد. (ایزوتسو، ۲۰۸)

از جمله مهم‌ترین عوامل موثر در صبوری، علم و آگاهی است. اگر انسان بخواهد بر انجام تکالیف صبوری کند، باید فایده آن را بداند و گرنه مانند هر کار طاقت فرسایی که اثر آن را نمی‌داند، آن کار را رها می‌کند. بر همین اساس باید علم را یکی از مهم‌ترین علل صبر و حلم در انسان دانست.

علم و آگاهی انسان نسبت به مسائل موجب می‌شود تا نحوه و چگونگی رفتار و کنش و واکنش‌های وی تغییر یابد. از همین رو در صبر و حلم نمی‌توان نقش علم را نادیده گرفت. کسی که می‌داند هر چیزی از خوب و بد چه بر سر انسان می‌آورد بر اساس حکمت و برنامه تعیین شده الهی است دیگر جزع و فرع نمی‌کند و بهره‌مند از رحمت الهی خواهد شد. «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (النحل، ۴۲) این آیه، به معرفی مهاجرین مومن که بر اذیت‌های مشرکین صبر کردند و بر خدای خود توکل نمودند اشاره دارد و اذعان دارد که دو صفت بزرگ (صبر و توکل) که از آثار ایمان است در آنها به ظهور رسیده است و توکل که از لوازم توحید افعال است نشانه‌گر رسوخ ایمان در قلب مومن می‌باشد. و آنان که این چنین تربیت اعتقادی پیدا می‌کنند نظر به اسباب نداشته و نمی‌خواهند جز خدا را ببینند و می‌گویند (لا مؤثر فی الوجود الا الله) و توحید آنها توحید انبیاء و اولیاء است که از آن تعبیر به خاص الخاص می‌کنند. (طیب، ۱۲/۱۲۷).

مخالفت با هوای نفس و دل‌کندن از مادیات و پیوستن به خدا و پایداری بر تعهدات و وفای به عهد نیازمند صبر هدفمندی است که خداوند در آیه ۹۶ سوره النحل که شصت و نهمین سوره به ترتیب نزول بر آن تاکید دارد (وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا) دل‌کندن از دنیا، محرومیت نیست بلکه کامیابی است. (مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (آنچه نزد شماست از اموال دنیایی، فانی شود و

آنچه نزد خداست از خزائن رحمت به صورت ابدی باقی می‌ماند. و خداوند کسانی را که صبر کردند جزا و مزد می‌دهد و با پایداری در دین بهتر از آنچه که عمل کردند نصیبشان می‌کند) (النحل، ۹۶) اجری که به صابران می‌رسد اجری است بسیار بهتر از عملی که به جا می‌آورند و خداوند به عمل صالح صابران اجری عالی و پاداشی جزیل می‌دهد و کارهای ایشان را با پاداشی بهتر و زیباتر از کارهایشان پاسخ می‌دهد که جزای مضاعف است. صبر در این آیه دلالت بر مخالفت با هوای نفس و دل‌کندن از مادیات و پیوستن به خدا و پایداری بر تعهدات و وفای به عهد دارد. «لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا» «بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و صابران با صبر خود بر زر و زیور فانی دنیا و پایداری بر تعهدات و وفای به عهد الهی به پاداش بهتر و زیباتر و جزای مضاعف می‌رسند «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ» (اگر صبر کنید، صبر بهتر است) (النحل، ۱۲۶) پرهیز از افراط، و تاکید بر صبوری و عفو در این آیه مورد توجه قرار گرفته است. این آیه مسلمین را مہیای رفتاری مومنانه می‌کند که تاثیرات تربیتی آن موجب تحول در کفار می‌شود. (طیب، ۲۱۲/۱۲) «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» (النحل، ۱۲۷) ای رسول ما باید صبر پیشه خود قرار دهی و نیست صبر تو الا به توفیق و تایید الهی و غم بدل راه نده و دل تنگ نباش بر اینکه کفار و مشرکین مکر و حيله می‌کنند (طیب، ۲۱۳/۱۲)

مومنان بر رفتارهای آزار دهنده کفار و مشرکین که با تمسخر و تحقیر و استهزاء سعی بر شکست روحی و روانی آنها را داشتند صبوری و شکیبایی کرده و بر باورهای اعتقادی خود پایداری می‌کنند. سوره مومنون به طرح صبوری مومنین در برابر حملات روحی و روانی کفار و مشرکین پرداخته است «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (المومنون، ۱۱۱) خداوند در روز جزا بواسطه صبوری که مومنان بر ذکر (اقامه نماز و تلاوت قرآن) کردند و با وجود تمسخر کفار همواره به یاد خدا بودند، پاداش می‌دهد، و آنها را سعادت‌مند و رستگار می‌داند.

پایداری و مقاومت بر قوانین و مقررات الهی و ظرفیت‌سازی برای مواجهه با بلایا در آیه ۴۸ سوره الطور مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. سوره الطور به طرح این مفهوم از صبر می‌پردازد «وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ» (الطور، ۴۸) بر اساس این آیه: درجه اول صبر بر بلاء و مصائب و گرفتاری‌ها است زیرا انسان در معرض بلاء و مصائب بسیار واقع می‌شود و هر چه مقامش عالی‌تر باشد بلاهایش بیشتر و مصائبش زیادتر است. «البلاء موکل بالانبياء ثم الاولياء ثم الامثل فالامثل» (طیب، ۳۱۷/۱) صبر در این آیه بر ظرفیت‌سازی و مواجهه با بلایا دلالت دارد. صبر جمیل در سوره معارج مجدداً مورد تاکید قرار گرفته است «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (المعارج، ۵) این آیه رسول‌الله (ص) را مخاطب ساخته، توصیه به صبر و پایداری می‌کند (مکارم، ۲۷۶/۵) ای رسول، صبر جمیل در برابر استهزاء و تکذیب و آزار کفار و مشرکین پیشه‌ساز، آن صبر و استقامتی که تداوم داشته و یأس و نومیدی به آن راه نیابد، و توأم با بیتابی و جزع و شکوه و آه و ناله نباشد.

نتایج مقاله

نتایج این پژوهش به ترتیب عبارتند از:

۱. تأمل در ترتیب نزول سوره‌ها، کیفیت کارآمدی صبر در تحقق تربیت اعتقادی در تمام مراحل ایمان و پس از تحقق ایمان را مشخص می‌کند. «رفتار صبر» محصول معرفت ایمانی است.
۲. قرآن برای شکل‌گیری «رفتار صبر» در تربیت اعتقادی، برنامه‌های پیش‌زمینه‌ای و زمینه‌ساز ارائه می‌کند. و برای تحول رفتاری از «رفتار عجولانه، شتاب‌گرایانه، پرخاشگرانه، تصمیم‌عجولانه، بغض و انتقام، نفرت و حس تلافی‌جویانه» به رفتار حلم، بردباری، عذوفت، بخشندگی و محبت از مربی‌الگو بهره می‌برد.
۳. حفظ و رشد ایمان و باورهای اعتقادی رابطه مستقیمی با شکل‌گیری و تثبیت رفتار صبر دارند قرآن برای نهادینه کردن «رفتار صبر» به تهذیب و اصلاح و تثبیت آن در حوزه‌های نگرش، رفتار فردی و اجتماعی اقدام می‌کند.

۴. مطالعات تفسیری نشان می‌دهد که قرآن، صبر و شکیبائی را اساس و ضامن اجرای همه برنامه‌های تربیت اعتقادی رسول الله (ص) می‌داند و مهمترین سرمایه راه تربیت اعتقادی همین رفتار صبر و شکیبائی می‌باشد که به ترتیب نزول عبارتند از:

الف. سوره‌های اولیه مکی از "القلم گرفته تا البلد، در حوزه اجتماعی با توصیه به صبر راه‌های برون رفت از انفعال و مقابله با سرسختی و بی‌منطقی مشرکان و دشمنان اسلام و عدم تبعیت از آئین آنها و تسلیم نشدن در برابر خواسته‌های نامشروع آنان و عدم تعجیل در تقاضای عذاب برای آنها و مهیاشدن برای مقاومت تا شکست تدریجی مشرکان مطرح می‌شود. قرآن، صبر را مقدم بر هجرت و جهاد و لازمه هجرت و جهاد می‌داند. صبر در این سوره‌های اولیه مکی بر حلم و بردباری با عتوفا و بخشندگی و پرهیز از بغض، نفرت و حس تلافی در تعاملات بین فردی و زندگی اجتماعی دلالت دارد.

ب. قرآن در سوره‌های مکی از "الاعراف تا الصافات"، در حوزه اجتماعی، رفتار صبر را برای نجات از آزار و اذیت سران کفر و حفظ ایمان در برابر تهدیدها و شکنجه‌ها توصیه می‌کند. استعانت از صبر برای پایداری بر تقوا و ایمان به توحید و تقویت ایمان به حاکمیت الهی از جمله برایندهای صبر در این گروه سوره‌ها است.

ج. قرآن در سوره‌های مکی از "لقمان تا المطففین" در حوزه اجتماعی به بهره‌گیری از رفتار صبر برای بهرمندی از سایر رفتارهای اعتقادی و دست‌یابی به رشد و معرفت الهی توصیه معناداری دارد و بر الگوگیری از اسوه‌های صبر تاکید می‌کند در این گروه سوره‌ها، بیشتر حوزه اجتماعی صبر مطرح می‌شود و بر انفاق و احسان، کمک‌رسانی و رسیدگی به محرومین، گواهی به حق و وفای به عهد مورد تاکید قرار می‌گیرد.

د. قرآن، در گروه سوره‌های الحمد تا والعصر در حوزه فردی بر کارکرد صبر و انشراح صدر و افزایش آستانه تحمل در سختی‌ها و کاهش فشار روحی و روانی تاکید دارد چرا که حرکت دادن انسان‌ها از خودمحوری و نفس‌پرستی به خداخواهی و توحیدگرایی و حق‌پرستی کاری بسیار سخت و طاقت‌فرساست که این بار سنگین تنها با بکارگیری صبر امکان‌پذیر می‌شود.

هـ. قرآن در گروه سوره‌های العادیات تا البلد در حوزه فردی بر کارکرد صبر برای خودسازی و خودشکوفایی و بهره‌وری شایسته و بایسته از ابزارهای شناخت و وسایل هدایت و نجات تاکید دارد و متریبان را در سیر تربیت اعتقادی به جهاداکبر برای عمق بخشی به نگرش توحیدی و رفتار اعتقادی دعوت و افشاندن بذر مهر و دوستی، مدارا و شکیبایی را در صحنه زندگی سفارش می‌کند.

و. قرآن در گروه سوره‌های الطارق تا الاحقاف در حوزه فردی با بهره‌گیری از صبوری به عنوان رمز موفقیت در فرآیند تبلیغ و تربیت بر مراقبت بصیرت‌مندانه از فعل و انفعالات معاندان کافر تاکید و بر تبدیل تهدیدها به فرصت سفارش می‌کند.

ز. قرآن در گروه سوره‌های ذاریات تا مطففین در حوزه فردی بر ارزشمندی رفتار صبر و آثار آن در سیر تربیت اعتقادی تاکید کرده و مومنان موحد را از ردائل رفتاری همچون «تعجیل و شتابگری، جزع و فزع، وادادگی هوای نفس، فتنه‌گری، کم‌ظرفیتی و دلتنگی» بر حذر می‌دارد و این ردائل را ضد ایمان و تربیت اعتقادی می‌شمرد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم؛ لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فروزان، ۱۳۷۸.
۴. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان فی تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۵. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، نشر بنیاد بعثت، قم، ۱۴۱۵ق.
۷. بهجت‌پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی به ترتیب نزول، قم، نشر سبط النبی(ص)، ۱۳۹۰ش.
۸. همو، مبانی و اصول و قواعد تفسیر تنزیلی به ترتیب نزول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۲ش.
۹. همو، جامعه‌سازی قرآن مبتنی بر ترتیب نزول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۲ش.
۱۰. حسینی زبیدی، سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس بیروت، ۱۴۱۴.
۱۱. حسینی همدانی، سید محمد حسین؛ انوار درخشان، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک؛ تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۵. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المجتمع، دمشق، ۱۴۱۸.
۱۶. داودی، محمد، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ش.
۱۷. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، بی تا.
۱۸. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله؛ ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۹ق.
۱۹. همو، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ق.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، نشر بیدار، قم، ۱۴۱۴.
۲۱. سعدی، ابوالحبیب، القاموس الفقہی، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۹.
۲۲. شحاته، عبد الله محمود، اهداف و مقاصد سورهای قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران، ۱۳۶۹.
۲۳. شمشیری، بابک، تربیت از منظر عشق و عرفان، نشر طهوری، تهران، ۱۳۸۵.
۲۴. شهرستانی، محمد بن الکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، نشر مکتوب، قم، ۱۳۷۵.
۲۵. غزالی، محمد بن محمد، کیمیای سعادت، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۲۷. طیب، سید عبدالحسین؛ أظیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش.

۲۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: حسینی، سید احمد، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
۳۳. کلینی، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۴. کریمیان، منصور، پرتوی از کلام امام علی (ع)، برگزیده موضوعی غررالحکم، تهران، نشر اشرفی، ۱۳۷۹.
۳۵. فتحعلی خانی، محمد، آموزهای بنیادین علم اخلاق، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، تهران، ۱۳۹۳.
۳۶. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر وافی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ق.
۳۷. فیومی، احمد بن محمد علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت، ۱۴۰۴.
۳۸. قمی مشهدی، میرزا محمد، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.
۳۹. مدرسی، سید محمد تقی؛ من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۱. مصطفوی، حسن؛ تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۴۲. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم قرآنی - فصل دو، موسسه التمهید، قم، ۱۳۸۱.
۴۳. مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۴۴. میناگر، عبدالرضا، اخلاق و تربیت اسلامی، نشر فروغ ماه، بروجرد، ۱۳۸۱.
۴۵. نراقی، ملا احمد، بی‌تا، معراج السعاده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۸۵.
۴۶. نکونام، جعفر، نقدی بر تاریخ گذاری قرآن، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.

